

تحلیل تأثیر جلوه‌های مکانی در هنرهای نمایشی آیین‌های عاشورایی در ایران

* یعقوب زارعی

** مرتضی توکلی

*** غریب فاضل‌نیا

E-mail: yaghoub.zarei@yahoo.com

E-mail: tavakoli52@gmail.com

E-mail: info@dr-fazelnia.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۵

چکیده

چندین قرن از واقعه عاشورا می‌گذرد؛ اما عاشورا و امام حسین(ع) به عنوان نمادهای هویت شیعه در متن زندگی مسلمانان و در باورهای پاک مردم جای دارد. مُحرم میراث عاشورا برای دوستداران و عاشقان اهل بیت و نقطه عطف انسانیت، آزادگی و مردانگی بوده و هر ساله میلیون‌ها انسان داغدار را برای عزاداری و ابراز احساسات گرد هم می‌آورد. کمرنگ‌شدن روزافزون نقش طبیعت و محیط طبیعی در مراسم سوگواری و همچنین بی‌اطلاعاتی عزاداران از هویت و نماد این پدیده‌ها، این پژوهش را به سوی بررسی نمادهای سوگواری و ارتباط آنها با طبیعت در مناطق بوشهر و سیستان رهنمون ساخته است. این مطالعه با استفاده از متون ادبی، مقالات علمی، مطالعات میدانی و پرسش از محققان، مردم‌شناسان و افراد خبره در زمینه مذهبی، سعی دارد با استفاده از متغیرهای محیطی مؤثر در آیین سوگواری از قبیل آب و هوا، عارضه‌های طبیعی، پوشش منطقه، موقعیت منطقه و... با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به بررسی درون‌مایه‌های جغرافیایی آیین‌های سوگواری در مناطق سیستان و بوشهر بپردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌های خاص جغرافیایی و مکانی این دو منطقه منجر به پایداری در رفتارها و آیین‌های عاشورایی همراه با حفظ تمامیت سرزمینی و حراست از ارزش‌های مذهبی شده و این آمیختگی نیز سبب رشد ارزش‌های اسلامی و انسانی و همچنین گسترش آن در پهنه‌های عقیدتی مجاور شده است.

کلیدواژه‌ها: عاشورا، درون‌مایه‌های جغرافیایی، آیین‌های سوگواری،

سیستان، بوشهر.

* کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ملی زابل، نویسنده مسئول

** دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ملی زابل

*** استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه ملی زابل

مقدمه

چیزی نزدیک به چهارده قرن از واقعه عاشورا می‌گذرد اما عاشورا و امام حسین(ع) به‌عنوان هویت شیعه در متن زندگی مسلمانان و در باورهای پاک مردم جای دارد. حماسه عاشورا و چگونگی شهادت امام حسین(ع) نقطه عطفی است که در تاریخ اعتقادات اهل تشیع در سرتاسر جهان اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که محتوای واقعه کربلا، شهادت حضرت امام حسین(ع) را در میان اهل تشیع به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین رویدادهای مذهبی اسلام جلوه داده است. مُحَرَّم و در رأس آن واقعه روز عاشورا یادآور دردناک‌ترین تراژدی تاریخ اسلام و زنده‌کننده روح فداکاری، ایثار و حماسه در ذهن انسان‌های آزاده (شریعی، ۱۳۸۴: ۱۰۹)، حماسه‌ای است شورانگیز در تاریخ بشری که مرزهای جغرافیایی و حتی اعتقادی را درنوردیده و احساسات میلیون‌ها انسان را به طرز شگفت‌آوری به خود مشغول ساخته و مهر جاودانگی بر خود زده است (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱). محرم، تجلی عبادت، توحید، معنویت، عزت، عدالت، ایثار و تبلور ایمان و ارزش‌هاست (سلیمی، ۱۳۸۱: ۳) که برای همیشه حق را از باطل جدا ساخت تا دیگر ظالمان و غاصبان عصرها نتوانند با پوشش اسلام، جاهلیت را زنده سازند (حکیمی، ۱۳۸۶: ۴).

شهادت امام حسین(ع) و یارانش با گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال، امروزه بیش از پیش با رنگ و محتوایی حماسی و رونق بیشتر تحت عنوان مناسک سوگواری و آیین‌های عزاداری در قالب وحدت، مشارکت، اهدای نذورات و انسجام در تمام امور با زندگی روزمره مردم عجین شده است.

در بررسی چستی آیین‌های سوگواری عاشورایی می‌توان آنرا نوعی هنر نمایشی قلمداد کرد که رابطه‌ای عمیق با ایمان و اعتقادات مردم برقرار کرده است. فربد در اثر خود با عنوان *هنر در سوگواری‌های مذهبی ایران* معتقد است که هنر هرگز نمی‌تواند از خاستگاه اصلی خود که مذهب و ایمان است فاصله بگیرد. به سخن دیگر بین خلاقیت‌های هنری و اعتقادات رابطه پیوسته‌ای وجود دارد که گاه از طریق تمثیل، نشانه و انتزاع و گاه به سادگی و صراحت این پیوستگی ظاهر می‌شود (فربد، ۱۳۸۶: ۱۴۶). هنر را می‌توان جلوه انسانیت انسان و ابزاری برای بیان احساسات و عواطف انسان بیان کرد. هنر انواع مختلف دارد که می‌توان آن را این چنین تقسیم‌بندی کرد:

۱- هنر غنائی بزمی: محتوای این هنر عاشقانه است و می‌توان مجالس عیش، نوش، بزم و پایکوبی را از نمونه‌های این هنر برشمرد.

۲- هنر عرفانی: این هنر سوز و گداز و راز و نیاز در راه کمال را نشان می‌دهد. هنری که به‌طور مثال آثار حافظ در ذهن را متجلی می‌کند.

۳- هنر حماسی: شرح حماسه‌ها، رزم‌ها، اساطیر و قهرمانان باستانی همانند رستم و... است.

۴- هنر تعلیمی: این هنر به ترویج اخلاق، افکار و اندیشه‌های متنوع اخلاقی می‌پردازد. برای کشف و تبیین پیوستگی بین هنر و مذهب باید به بررسی و مطالعه پدیده‌های هنری مثل شعر، موسیقی، نقاشی، نمایش، ادبیات، هنرهای تجسمی و... پرداخت. مراسم‌هایی سوگواری نیز از جمله مراسمی است که از کیفیت و تنوع زیادی برخوردار است و بخش مهمی از فرهنگ عاشورایی ایران را دربرمی‌گیرد و با توجه به مضمون و کارکرد خود، بخش قابل ملاحظه‌ای از موسیقی آیینی ایران نیز در آن نهفته است. برای نمونه موسیقی عاشورایی خود به انواع مختلفی چون نوحه، ذکر مصیبت، مرثیه، روضه، جنگ‌نامه و... قابل تقسیم‌بندی است. نوحه در انواع و اقسامی بسیار متنوع، شاخص‌ترین چهره موسیقی عاشورایی است. گمان می‌رود قدیمی‌ترین مراسم سوگواری، نوحه‌سرایی باشد که خود از وعظ و خطابه شکل گرفته و تکامل یافته است. تأثیر نغمه‌های بومی در مرثیه و نوحه‌ها و نیز دخول بسیاری از رسوم محلی در عزاداری عاشورا در نواحی مختلف ایران نیز از این جمله است. هرچند نوحه‌های هرکدام از نواحی ایران از موسیقی بومی آن ناحیه تأثیر زیادی گرفته‌اند. مخلص کلام این‌که در بررسی مقوله آیین‌های سوگواری، شاخه‌های فرهنگی هنری مانند ادبیات (نثر، شعر)، موسیقی، نمایش (درام، حماسه، اسطوره، آرایش صحنه)، نگارگری، لباس، زبان، لهجه و... همگی نمود چشم‌گیری پیدا می‌کند (فرید، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

برگزاری هنرهای نمایشی در قالب آیین‌های سوگواری به‌عنوان نمونه عینی تأثیر هنر از مذهب ایجاب می‌کند که قبل از طرح مسئله، شرحی هر چند کوتاه از نمایش و انواع آن به اقتضای موضوع مورد مطالعه ذکر شود.

در تعریفی از نمایش یا تئاتر می‌توان آن را تجلی عمیق‌ترین احساسات مذهبی یا بازتاب نگرشی خاص به زندگی عنوان کرد که در آن بازیگر خود را به جای قهرمانان و اشخاص داستان می‌گذارد و وقایعی را که بر سر قهرمانان آمده است با حرکات، اعمال و گفتار خود یک به یک در روی صحنه مجسم می‌کند. نمایش به اشکال مختلف از زمان‌های بسیار دور رایج بوده اما گفتنی است قدیمی‌ترین اشکال نمایش در ایران، نمایش‌های سوگواری، نقالی، تئاتر جنب حوضی، تعزیه و شبیه‌خوانی بوده‌اند.

- ناظرزاده در معرفی هشت ریختار نمایشی ایرانی آنها را این گونه برمی شمرد:
- ۱- نمایش های آیینی (مثل نمایش های داستانی نیایش گرانه در رابطه با میترا)؛
 - ۲- نمایش های میدانی - گذرگاهی (مثل انواع معرکه گیری ها، پهلوان گرایی ها)؛
 - ۳- داستان گویی نمایش گرایانه که به اسم نقالی شناخته می شود؛
 - ۴- نمایش های عروسکی؛
 - ۵- خندستان نمایشی یا تقلید؛
 - ۶- سوگرنج های دینی که بهترین نمونه را می توان تعزیه معرفی کرد؛
 - ۷- نمایش های سور کاروانی یعنی نمایش های شادمانی در حال حرکت؛
 - ۸- نمایش های سوگ کاروانی در حال حرکت (ناظرزاده، ۱۳۸۶: ۶)؛
- در دیدگاهی دیگر نیز نمایشنامه ها به انواع مختلفی تقسیم می شوند که عبارتند از:
- ۱- نمایشنامه کمدی: به نمایشنامه هایی اطلاق می شود که موضوع داستان آن خنده آور، شاد و نشاط آور باشد.
 - ۲- نمایشنامه درام: اگر موضوع داستان نمایشنامه چنان باشد که در آن اشخاص بازی تصاویر واقعی از زندگی را نشان دهند نمایشنامه درام خواهد بود.
 - ۳- نمایشنامه ملودرام: ممکن است درام مایه ای از کمدی نیز داشته باشد که در این صورت به آن نمایشنامه ملودرام گویند که گاهی این مسئله به صورت پایان خوش نمایش نمود می یابد.
 - ۴- نمایشنامه تراژدی: اگر نمایشنامه وقایع فوق العاده غم انگیز نظیر مرگ پدر، برادر، و... را نمایش دهد در زمره نمایشنامه های تراژیک یا تراژدی می گنجد.
 - ۵- نمایشنامه طنز: گاهی نمایشنامه های کمدی حاوی پیام نیز می باشند که ممکن است تلخ و گزنده یا حتی سیاه نما هم باشند این نمایشنامه ها طنز هستند.
 - ۶- نمایشنامه هجو: چنانچه نمایشنامه در بیان حالات کمدی یا طنز در دام مسخره کردن افراد یا موضوعات بیفتد نمایشنامه در زمره نمایشنامه های هجو شناخته می شود.
 - ۷- نمایشنامه لغو: نمایشنامه های طنز یا هجوی که به صورت بی بند و بار مسائل خانوادگی و غیر اخلاقی را مطرح کنند در این دسته می گنجد.
- تعزیه نمونه بارزی از آیین های سوگواری دینی انعکاسی از باورها و احساسات عمیق مردمی است که ضمن نشان دادن ارزش اسلام در میان مسلمین، می تواند باعث تقویت حس همبستگی نیز در میان مردم شود. بی شک می توان از تعزیه به عنوان

اصلی‌ترین هنر نمایشی ایرانی نام برد که ضمن حفظ فرهنگ غنی ایرانی، سرشار از رسوم و آیین‌های محلی و متبلور زیبایی در مناطق مختلف کشور است (شکل شماره ۱).

شکل شماره ۱: تعزیه در استان بوشهر



گفتنی است که ایران شاید تنها کشوری در میان مسلمانان باشد که هنر نمایش را به تعالی رساند. به گونه‌ای که مراسم تعزیه شکل تکامل یافته آیین‌ها و مراسم سوگواری هم‌چون دسته‌گردانی، نوحه‌سرایی، نقالی و روضه‌خوانی می‌باشد.

عبارت تعزیه تداعی‌گر گونه‌ای از ادبیات دراماتیک ایرانی است که می‌توان آن را با نمایش‌های مصیبت‌آمیز غربی مقایسه کرد؛ با این تفاوت که تعزیه تنها نمایش بومی جهان اسلام است. این سنت نمایشی عمیقاً در شعائر دینی ریشه دارد و نوعی درام آیینی است که آمیزه‌ای از باورهای اسلامی شیعه و سنن ایرانی است. تم اصلی تعزیه شهادت قهرمانانه حضرت امام حسین (ع) و یاران باوفای او در صحرای کربلا است. بنا به عقیده صاحب‌نظران، تعزیه و عزاداری در فرهنگ ایرانیان ریشه‌ای دیرینه و عمیق دارد به صورتی که پیش از اسلام نیز گونه‌هایی از تعزیه ایرانی همچون پادگار زر ایران و سوگ سیاوش وجود داشته است (مختی‌آباد امری، ۱۳۸۵: ۸۹). شباهت زیادی میان تراژدی و تعزیه وجود دارد. تعزیه یگانه نمایش سنتی - مذهبی ایران است که ارزش‌های اجتماعی و فلسفی جامعه ایران در این هنر تجسم یافته است. مضمون تعزیه رویارویی و کشمکش میان دو نیروی خیر و شر است اما آنچه آن را از تراژدی غرب جدا می‌سازد این است که کشمکش در تعزیه برخلاف تراژدی به نفع اشیاء است زیرا که برنده واقعی در این باور اولیاء هستند. به همین دلیل تعزیه تنها شکل هنری است که میان ارزش‌های هنری و بینش فلسفی و اجتماعی آن هماهنگی وجود دارد (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰).

تعزیه علاوه بر آیین‌های مذهبی و اساطیر ایرانی تجلی هنرهای همچون نمایش، ادبیات، موسیقی و هنرهای تجسمی است که با شور و غوغایی وصف‌ناپذیر در درون مؤمنان، و آنان را به فضایی مقدس که تجلی‌گاه روح نیاکانشان است می‌برد.

مطالب فوق مبین این مهم است که آیین‌های عاشورایی برگرفته از مضامین مذهب در قالب اعتلای هنر است؛ آیین‌هایی که هر کدام نمادی از فلسفه قیام امام حسین و یارانش را در قالب هنرهایی چون نمایش، موسیقی، نقاشی و... بازگو می‌کنند.

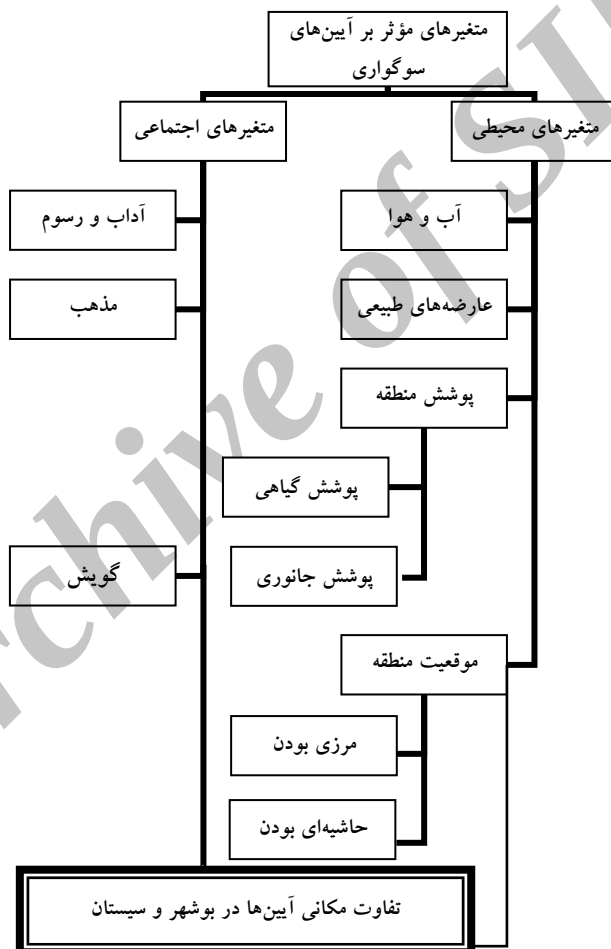
همین بس که منشاء نمایش به‌عنوان یکی از هنرهای هفت‌گانه را مراسم مذهبی و اجتماعی می‌دانند و حال آن‌که عاشورا نیز به‌عنوان یک تراژدی غم‌انگیز در کشور پهناور ایران با درون‌مایه‌های محیطی و جغرافیایی سبب شده که متناسب با خلیقات، روایات و باورهای هر منطقه، آداب و رسوم مختلفی ظهور کند. آیین‌های سوگواری نیز از این قاعده مستثنی نیستند و به تناسب قومیت، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌های هر منطقه با منطقه دیگر کاملاً متمایز است و مناسک ایام محرم به‌عنوان نمونه متعالی مراسم فرهنگی - مذهبی مسلمانان شیعی، هر ساله در قالب جریان مردمی (قادری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷) به تناسب فرهنگ، در هر دیار به شکل ویژه‌ای برگزار می‌شود.

نخل‌گردانی در یزد، سینه‌زنی در بوشهر، مشعل‌گردانی در خراسان، دسته‌های علم‌گردانی در اردبیل، گل‌مالی در لرستان و... همگی مثال بارزی از فرهنگ برگزاری مراسم سوگواری در سرزمین پهناور ایران هستند که ضمن رابطه‌ای عمیق با شاخص‌های زیباشناختی آن منطقه، هر کدام از اعتبار و ارزش ویژه‌ای برخوردارند. این آیین‌ها علی‌رغم ظاهری متفاوت، هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن عزاداری برای سید و سالار شهیدان است. هم‌چنین این آیین‌ها نوعی واکنش عاطفی نسبت به قهرمانان مذهبی همراه با تجلی احساسات انزجارآمیز مسلمین نسبت به ستمگری‌ها است و در قالب سوگواری برگزار می‌شود. این پژوهش بر آن است که این آیین‌ها را از لحاظ مکانی بررسی و تحلیل کند؛ به‌گونه‌ای که مطالعه موردی سیستان و بوشهر نیز بر اساس همگونی این دو منطقه از جنبه‌های مختلف انجام شده است.

پرچمداری سیستانیان به‌عنوان اولین قیام‌کنندگان به خونخواهی امام حسین (ع) (دوانی، ۱۳۸۴: ۴۵) و نیز عواملی چون تعصبات و باورهای پررنگ عاشورایی در میان مردم جنوب و شرق کشور و رواج مراسمی چون سینه‌زنی و سنج و دمام در بوشهر به‌عنوان خاستگاه اصلی آنها، هم‌چنین تشابهات و تناسبات جغرافیایی به لحاظ ویژگی‌هایی آب و هوایی، فرهنگی، محیطی و غیره ... عواملی هستند که انتخاب

بررسی این مناطق را در اولویت این پژوهش قرار داده است. این پژوهش سعی دارد به این مسئله بپردازد که: آیین‌های سوگواری دهه‌محرم چه الهاماتی از طبیعت گرفته‌اند و بین الهامات برگرفته از طبیعت در مناطق سیستان و بوشهر چه تفاوت‌هایی وجود دارد؟ هم‌چنین بررسی نمادهای سوگواری و ارتباط آنها با طبیعت در مناطق بوشهر و سیستان از دیگر مباحث پژوهش حاضر می‌باشد.

شکل شماره ۲: متغیرهای محیطی - مکانی تأثیرگذار بر آیین‌های سوگواری عاشورا در بوشهر و سیستان.



سابقه پژوهش

در تبیین مکانی گسترش آیین‌های واقعه عاشورا و مراسم سوگواری محرم و رواج آن به صورت امروزی که از سال ۶۱ هجری تاکنون صورت گرفته به جرئت می‌توان گفت که این پدیده با نظریه پخش فضایی قابل تبیین است و این دامنه گسترش با این اصل قابل معرفی است. چنانچه به گفته تورستن هاگراسترن^۱، جغرافی دان سوئدی، به انتشار و گسترش یک پدیده و یک نوآوری در سراسر فضای جغرافیایی و در طول زمان پخش و تراوش گفته می‌شود (شکوهی، ۱۳۶۴: ۱۱۲). رواج فرهنگ و فلسفه عاشورا به گواه اسناد تاریخی مرتبط با مراسم عزاداری حسینی، برای اولین بار در عراق که به عنوان بستر وقوع حادثه عاشورا شناخته می‌شود انجام پذیرفت. این همان مرحله‌ای است که در آن آیین‌های سوگواری از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر رسیده و میان جمعیت جدید گسترش یافته و چه بسا گاهی شدت نوآوری‌ها و پدیده‌ها در ناحیه جدید بیش از خاستگاه اصلی پدیده‌ها و نوآوری‌هاست. گاهی نیز پخش آن به صورت سلسله‌مراتبی و یا سازش‌پذیر انجام شده که در آن پخش از محله‌ای به محله دیگر و مجاور شهرها صورت گرفته است؛ بدین‌سان که مجاورت یک شهر با خاستگاه آن آیین‌ها سبب گسترش آن شده است (شکوهی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). آن چنان‌که رواج آیین‌ها و مراسمات سوگواری در سیستان نیز تحت تأثیر شهرهای خراسان و کرمان بوده است. باید اضافه کرد که عامل پخش در مراسم‌های عاشورا همانا احساس آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی و تعلق خاطر اجتماعات انسانی به ائمه اطهار بوده است. علاوه بر آن زمان پخش این مراسم در طول تاریخ بوده و بعد از واقعه عاشورا شدت بیشتری پیدا کرده است. اگرچه بزرگی و عظمت انقلاب امام حسین (ع) و یارانش بر بشریت پوشیده نیست اما آنچه گفتنی است این است که امام حسین (ع) نه تنها متعلق به مسلمانان، بلکه متعلق به همه نسل‌ها و همه عصرها و در یک کلام میراث تاریخ برای بشریت است؛ به گونه‌ای که عاشورا را نمی‌توان در قلمرو قشر خاصی محدود کرد زیرا تأثیر و درس‌های آن برای همگان است (محدثی، ۱۳۷۷: ۱۶۲-۱۶۵). در زمینه واقعه جهان‌شمول عاشورا، محقق اثر *فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا* به نقل از کارلایل^۲، مورخ و اندیشمند انگلیسی، می‌نویسد: «بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم این است که حسین علیه‌السلام و یارانش ایمانی بس استوار بخدا داشته‌اند. آنان در عمل نشان دادند که فزونی افراد در جایی که حق و باطل روبرو می‌گردد، اهمیتی ندارد»

1. Torsten Hagrastrnd

2. Carlile

(بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۷). محققى دیگر به نقل از گاندی مصلح هندوستان مى‌گوید: «مردم هند، من برای شما چیز تازه‌ای نیاورده‌ام، تنها نتیجه‌ای را که از مطالعات و تحقیقاتم درباره‌ی تاریخ زندگی قهرمانان کربلا دریافت داشتم، ارمغان ملت هند کردم. بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق حسین پیروی کند» (هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۴۴۰). در همین اثر نویسنده از زبان محمدعلی جناح، مؤسس کشور پاکستان، آورده است: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از شجاعتی که امام حسین علیه‌السلام از لحاظ فداکاری و شهامت نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود». محققان ایرانی زیادی نیز به تحقیق در رویداد عاشورا و شخصیت انقلابی امام

حسین (ع) پرداخته‌اند که در این پژوهش به معدودی از آنها پرداخته‌ایم:

کربلا مدرسه‌ی جاودان تاریخ است که استادان و آموزگاران آن عالی‌ترین دروس را با بالاترین سطح به انسان‌ها آموختند (اکبری، ۱۳۸۱). دکتر علی شریعتی بزرگ شدن حسین را به دلیل شهادت می‌داند و هم‌چنین مردی که نه برای زور و زر و قدرت بلکه برای شرافت و حفظ نهضت، جان خود را فدا می‌کند (شریعتی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). برخی نیز عوامل مؤثری چون ماهیت پیام عاشورا (حقانیت و غنی‌بودن محتوای آن)، شخصیت خاص پیام‌رسان و پیام‌رسانان، ابزار پیام‌رسانی، کیفیت و مدت و اسلوب رساندن پیام را دنبال کرده‌اند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۳۴). در پژوهشی با عنوان **آیین، آیین‌سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی**، محقق با تأمل در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه جدید مداحی، با مروری مردم‌نگارانه بر مداحی‌ها و شمایل‌نگاری‌های رایج تلاش می‌کند تا از موضع فرهنگ‌گرایی و نمادگرایی تحول‌آیین‌های عاشورایی در ایران معاصر را بررسی و نسبت‌های آن را با فرهنگ عامه‌پسند روشن کند (گیویان، ۱۳۸۴: ۱). در وادی ادبیات و نمایش عاشورایی، محققان ورود حماسه‌ی کربلا به حیطه‌ی شعر و ادب را یکی از عوامل ماندگاری و پایداری آن نهضت دانسته و معتقدند که قالب تأثیرگذار و نافذ شعر و مرثیه، میان دل‌ها و عاطفه‌ها از یک‌سو و حادثه‌ی عاشورا از سوی دیگر پیوند زده و احساس شیفندگان را به آن ماجرای خونین و حماسی وصل کرده است (حجازی و محمدزاده، ۱۳۸۷: ۲). مفتخری و رنجبر ضمن مطالعه و جریان‌شناسی تاریخی قرائت سوگوارانه و احساسی عاطفی واقعه‌ی عاشورا از دوره‌ی صفویه تا مشروطه، به مهم‌ترین ویژگی‌های آن پرداخته‌اند (مفتخری و رنجبر، ۱۳۸۷: ۱). نویسنده‌ای معتقد است که تغییرات در ساختار عاشورا باعث شده است تا حماسه به تراژدی در سده‌های اخیر و از تراژدی به مصیبت تبدیل شود و عزاداری بیشتر کارکردی اجتماعی پیدا کند تا مذهبی (جوادی یگانه، ۱۳۸۶:

۲۵. پژوهشگری نیز بر این است که با مراجعه به عقل سلیم پی می‌بریم که بر پایی مراسم عزای اولیای الهی، به‌خصوص سرور و سالار شهیدان امام حسین علیه‌السلام موافق با عقل است و هر امتی که بزرگان خود را تکریم نکند محکوم به شکست و نابودی است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در دیدگاهی دیگر مفهوم پارادایم کربلا در زندگی روزمره شیعیان و نظریه سیاسی آنها تا جایی است که به‌عنوان ساختار نمادین تاریخی در تشیع برجستگی یافته و هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین مناسک جمعی مناسک عزاداری محرم است که اکثریت مؤمنان شیعی را دربرمی‌گیرد (فیاض و رحمانی، ۱۳۸۶: ۵۸). گفتنی است آثاری چون **سنگستان** (ریشه‌ری، ۱۳۸۲) **اهل ماتم، آواها و آیین‌ها در بوشهر** (شریفیان، ۱۳۸۳) و **اولین قیام مردان برای خونخواهی حضرت امام حسین (ع)** (دوانی، ۱۳۸۴) و **سور و سوگ در سیستان** (گلستانه، ۱۳۸۸) از جمله آثاری است که هر کدام به نوعی بر عاشورا و آداب سوگواری مرسوم در مناطق یاد شده شرحی نگاشته‌اند.

روش پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از مطالعه متون ادبی، مقالات علمی و هم‌چنین مطالعات میدانی، پرسش از محققان، مردم‌شناسان و نخبگان در زمینه مذهبی به انجام رسیده است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی — توصیفی به مطالعه و بررسی عوامل غیر مادی و فرهنگی همانند جلوه‌های ویژه مذهبی در دو منطقه بوشهر و سیستان پرداخته و رابطه آنها با عوامل جغرافیایی را به‌عنوان بخشی از جغرافیایی فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌دهد (شکوهی، ۱۳۸۴: ۶۲).

بندر بوشهر از نظر تاریخی دارای سابقه‌ای کهن و درخشان است. این منطقه یکی از مراکز مهم و قدیمی تمدن و فرهنگ ایران زمین به شمار می‌رود. بر اساس تحقیقات و مطالعات انجام شده، نخستین سنگ بنای تمدن در بوشهر به زمان عیلامی‌ها برمی‌گردد. مطابق خشت‌نیشته‌های عصر عیلامی که در سال ۱۹۱۳ میلادی از طرف هیئت باستان‌شناسی فرانسوی در محلی بنام «تُل پی تُل» در جنوب محله امام‌زاده در بوشهر که بر اثر خاک‌برداری و به‌طور اتفاقی به‌دست آمد، قدمت تمدن استان بوشهر و به‌ویژه شهر بوشهر دست‌کم به پنج الی شش هزار سال پیش باز می‌گردد (حمیدی، ۱۳۷۳: ۱۴). بنای استان بوشهر را اگرچه به‌طور موثق نمی‌توان به کسی نسبت داد اما بیشتر محققان به دوره اردشیر بابکان نسبت داده‌اند. ساکنان اولیه این منطقه را که قبل از آن به نام‌هایی چون لیان، ریشه‌ری و ابوشهر خوانده می‌شد عیلامی‌ها می‌دانند. استان بوشهر در جنوب

ایران و با مساحتی در حدود ۲۵۳۵۹ کیلومتر مربع به صورت نوار باریکی بین خلیج فارس و کوهپایه‌های زاگرس قرار گرفته است (کنین، ۱۳۷۸: ۱۳). سیستان نیز در خاور ایران و در استان سیستان و بلوچستان در دشت پست و همواری قرار دارد که در گوشه و کنار این منطقه، قدمت تاریخ و تمدن به ۵۰۰۰ سال می‌رسد (گلستانه، ۱۳۸۶: ۱۲). در حدود سال ۱۲۸ ق.م. با ورود آخرین دسته از آریایی‌ها (که سَکَه^۱ نامیده می‌شدند) به ایالت زرنک^۲ (سیستان کنونی)، نام زرنک به سکستان^۳ تبدیل شد و عرب‌ها به آن سجستان گفتند و بالاخره به سیستان تغییر نام داد (گلستانه، ۱۳۸۶: ۱۲).

یافته‌های پژوهش

اگرچه برگزاری اولین مراسم سوگواری امام حسین(ع) را در زمان معزالدوله دیلمی ذکر کرده‌اند (فروغی، ۱۳۸۳: ۱۳۵) اما شالوده آیین‌های سوگ امروزی را ره‌آورد دوره صفویان می‌دانند. هر چند گفتنی است که این مراسم در دوره قاجار رشد یافت. بنا بر گفته‌های جامعه‌شناس و مردم‌شناس سیستانی، مزار گلستانه، تاریخ عزاداری در سیستان به دوره آل‌بویه برمی‌گردد که در آن دوران عضدالدوله دیلمی علاقه‌مند به شیعه بوده است. پس از آن نیز با رواج تعزیه در دوره صفوی و سپس در دوره کریم‌خان زند و سپس اوج تعزیه و مراسم مذهبی در دوره ناصرالدین شاه در «تکیه دولت تهران» دنبال می‌شود. گفتنی است که یک نسخه از آن هم به زابل می‌رسد. در روایات است که این نسخه توسط خُزیمه‌ها (سرکارها) آورده شده و یا به روایتی دیگر توسط علی‌خان سربندی از سرداران زابل در روستای سه‌کوهه که در آن زمان مقر نظامی دولت در این منطقه بوده است و سپس از آن جا به حسین‌آباد (زابل کنونی) آورده می‌شود. برگزاری مراسم از دیرباز در این منطقه رواج داشته و روستاهایی مانند چَلَنگ هستند که پیشینه آنها در اجرای آیین‌های عزاداری در ماه محرم به قریب ۳۰۰ سال می‌رسد. از دیگر مناطق پیش‌قدم در اجرای این مراسم در منطقه سیستان، می‌توان به ادیمی، دولت‌آباد، محمدآباد، فیروزآباد، قلعه‌نو و جَزَینک اشاره کرد. شریفیان در مورد پیشینه عزاداری در بوشهر در کتاب خود می‌آورد: «معزالدوله اولین کسی است که فرمان داد مردم بغداد در دهه اول محرم لباس سیاه بپوشند و بازارها را سیاه‌پوش کنند و به مراسم تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا قیام نمایند. استان

1. Skeh

2. Zrnk

3. Skstan

بوشهر نیز یکی از مراکز مهم آل‌بویه محسوب می‌شده است؛ طوری که بزرگسالان بوشهر به نقل از اسلاف خود اظهار می‌کنند اهالی بوشهر با سیاهپوش کردن اماکن عمومی و تعطیل نمودن کسب و کار خود در روزهای عزاداری، خوردن غذاهای خوب را در این ایام به‌ویژه در روز عاشورا بر خود روا نمی‌داشته و پوشیدن کفش در روزهای عزاداری را نیز نوعی بی‌احترامی قلمداد می‌کرده‌اند. مردم برای ادای احترام به شهدای عاشورا با پاهای برهنه از خانه بیرون رفته و با بدن‌های عریان به سینه‌زنی پرداخته، عده‌ای هم بر سر و روی خود کاه می‌پاشیدند» (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

در همین زمینه فروغی در پژوهش خود می‌آورد: عهد آل‌بویه در اکثر شهرهای ایران و عراق، اعم از سنی یا شیعه، در ایام عاشورا مراسم سوگواری برگزار می‌شد. چنان‌که به‌صورت یک فرهنگ اسلامی ایرانی درآمد و این مراسم به رغم فراز و نشیب‌هایی که داشت، در دوره اوج قدرت آل‌بویه یعنی تا پایان سلطنت عضدالدوله (۳۷۲ ق) با جدیت برگزار می‌گردید» (فروغی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

در باب معرفی آیین‌های عاشورایی در مناطق بوشهر و سیستان ابتدا می‌توان آیین‌ها و رسومی را نام برد که در مناطق مورد مطالعه تقریباً فارغ از مسائل خاص محیطی در هر دو منطقه با همگونی عمومی اجرا می‌شوند. گفتنی است سینه‌زنی برای ائمه از دوره صفوی به بعد در ایران رایج شد، اما سینه‌زنی به صورت امروزی **اهل ماتم، آواها و آیین سوگواری در بوشهر** که یک نفر دم بگیرد و دیگران به آهنگ او سینه بزنند به زمان آل‌بویه نسبت داده‌اند (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۳۹). به نقل از کتاب اولین مدارک مکتوب درخصوص سینه‌زنی و عزاداری در استان بوشهر به دوره زندیه بازمی‌گردد اما از چگونگی آن اطلاعاتی به دست نیامده است. به همین علت تنها به این نتیجه می‌توان رسید که سینه‌زنی در آن زمان در قالب دسته‌گردانی‌های معمول در مراسم سوگواری انجام می‌گرفته و بعدها شکل متمرکز و مستقل به خود گرفته است (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

در بندر بوشهر سینه‌زنان که به‌تدریج تعدادشان فزونی می‌یابد، به دایره‌های تودرتو تقسیم می‌شوند (شکل شماره ۳). چند نفر از یک دایره - که در آن فشار شدید می‌شود - جدا شده و در میان همان دایره یک دایره دیگر می‌سازند. امتیاز این نوع سینه‌زدن این است که عده بیشتری می‌توانند در سینه زدن شرکت کنند. نفر اول با دست راست ضمن قدم برداشتن مرتب با دست چپ کمر بند نفر زیر دست را می‌گیرد. او نیز به‌همین ترتیب، تا یک صف زنجیره‌ای دایره‌مانند درست می‌شود. تعداد که فشرده

می‌شود، دایره‌ای تو در توی هم و زنجیر آسا قوس می‌خورد (عرفان، ۱۳۷۹: ۲۹). در سبک واحد، سینه‌زن‌ها (شکل شماره ۴) که بیش از این هم‌زمان با جلو و عقب بردن پاها (برای دور خوردن) بر سینه‌های خود می‌کوبیدند، به پیروی از دستور «واحد» فقط یک‌بار، آن هم با جلو آوردن پاهای راست، به سینه‌زنی می‌پردازند و بدین ترتیب ضربه‌های سینه‌زنی به نصف تقلیل می‌یابد (شریفان، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

شکل شماره ۳: مراسم سینه‌زنی در منطقه بوشهر



شکل شماره ۴: سینه‌زنی سبک واحد در منطقه بوشهر



این درحالی‌است که در گذشته سینه‌زنی مردانه در زابل به صورت ایستاده بوده است؛ یعنی به صورت ایستاده دو دست خود را بر سینه می‌زدند، بدون این‌که خم

شوند. اما امروزه این نوع سینه‌زنی که میراث گذشتگان آنان بوده منسوخ شده و سینه‌زنی به سبک جنوبی در این منطقه رواج یافته است. نکته قابل ذکر در مورد سینه‌زنی زنان این است که سینه‌زنی زنانه در منطقه زابل برخلاف منطقه بوشهر که ایستاده و همانند سینه‌زنی مردانه کمر همدیگر را گرفته و درحالی که می‌چرخند سینه می‌زنند، به صورت نشسته انجام شده و در حالت نشسته بر پا و سینه خود می‌زنند.

در غروب روز عاشورا و در یازدهمین شب از ماه محرم مراسمی در بوشهر برگزار می‌شود که یادآور اولین شب غریبی و آوارگی اهل بیت (ع) و بازماندگان شهدای عاشورا است. از این رو این آیین را «شام غریبان» می‌نامند (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۸۸). در این شب گروهی از مردان و زنان با پوشیدن لباس‌های عربی و گاهی پابره‌نه با گرفتن شمع یا مشعل‌های کوچکی در دست در کوچه‌ها راه می‌افتند. به‌زعم آنها پوشیدن لباس عربی و هم‌چنین برهنه راه رفتن خاطره اسرای کربلا را تداعی می‌کند.

شام غریبان منطقه زابل نیز در شب یازدهم برگزار می‌شود با این تفاوت که در آن مردم بدون این‌که در شهر بچرخند، با گرد آمدن در مزار شهداء شمع روشن می‌کنند. آنان به یاد واقعه عاشورا و آتش‌زدن خیمه‌ها گاه نیز در مساجد شروع به روشن کردن شمع می‌کنند تا سحرگاه که شمع‌ها خاموش شود. آنها معتقدند اگرچه عمر شهدای کربلا کوتاه بوده ولی با روشن کردن شمع می‌توان از خدا برای خود و خانواده خود عمر دراز طلب کرد.

در مراسم کُتلی، ذوالجناح نماد نوعی بیان ابزار است تا از وراء آن ما به مظلومیت شهادت هفتاد و دو تن وصل شویم. آرایش و تزئین ذوالجناح هنری مردم فهم است. اشیایی که برای تزئین پیشانی و گردن اسب ذوالجناح به کار می‌رود در کمال زیبایی وجود این اسب را از هر حیوان دیگر مستثنی می‌سازد (یاراحمدی، ۱۳۸۴: ۳۳). عزاداران گاه پارچه‌ای سفیدرنگ و خونین و گاه پارچه‌ای سبزرنگ به یاد سید و سالار شهیدان بر گردن اسب انداخته و شروع به گریه و زاری و عزاداری می‌کنند. در منطقه زابل نیز مراسم کُتلی به همین شیوه برگزار می‌شود که آن‌را ذوالجناح گردانی نام نهاده‌اند؛ بدین صورت که اسب را کفن کرده و زین را واژگون و سپر و شمشیر را روی زین می‌گذارند (واژگونی زین برگرفته از واژگونی آقا اباعبدالله در واقعه عاشورا می‌باشد). البته تابوتی هم درست می‌کنند که نمادی از جنازه امام حسین (ع) جهت تشییع و عزاداری بوده و مجزا از مراسم تابوت گردانی می‌باشد.

در بررسی آیین‌های سوگواری خاص مناطق مورد مطالعه، ابتدا به معرفی آیین‌های

عاشورایی مرسوم در بوشهر پرداخته و سپس مراسم خاص منطقه زابل را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مراسم سنج و دمام در استان بوشهر را لازمه مراسم سینه‌زنی می‌دانند و آن را به منزله خبری برای شروع سوگواری می‌دانند. بنا به گفته یاراحمدی، نویسنده اثر *نمایش در بوشهر از آغاز تا امروز* سازهای سنج و دمام که ریشه در موسیقی محلی آفریقا دارند اولین بار از آفریقا به این منطقه آورده شده و در آغاز توسط خود آنها نواخته می‌شده است تا این‌که در بوشهر به تدریج شکل خاص و مقدسی به خود گرفته و سرانجام مورد قبول عامه مردم قرار گرفته است (یاراحمدی، ۱۳۸۴: ۳۳). دمام همان طبل یا دهل است (شکل شماره ۴) که برای گردآوری مردم آن‌را به صدا در می‌آورند. این وسیله به‌ویژه در مراسم عزاداری نقشی مهم را برعهده دارد. نوازندگان این وسیله بیشتر سیاهان یا سلمانی‌ها هستند که این مهم را به‌ویژه در ایام محرم با رغبت انجام می‌دهند. گفتنی است که طرز نواختن دمام متأثر از فرهنگ آفریقایی است.

سنج ابزاری برنجی یا آهنی است که به‌همراه دمام نواخته شده و منحصرراً در مراسم عزاداری مذهبی کاربرد دارد تا در ایجاد صدا با دمام هماهنگی داشته باشد. بُوق را از شاخ بلند گوزن کوهی می‌سازند یا از نی بلند که در آن می‌دمند و ایجاد صدای بلند می‌کنند (عرفان، ۱۳۷۹: ۲۱).

طفل صغیری از دیگر مراسمی در شب دوازدهم محرم صورت می‌گیرد. موضوع این مراسم که شکل تعزیه به خود گرفته است، مفقود شدن طفل سیدالشهدا (ع) حضرت سکینه است. عزاداران در این شب به همان ترتیب مراسم شام غریبان، درحالی‌که شمع در دست دارند به نوحه‌خوانی و سینه‌زنی پرداخته و به همراه افرادی که نقش ساربان و اهل بیت امام حسین (ع) را ایفا می‌کنند به دنبال طفل گمشده اهل بیت (ع) می‌گردند و در نهایت نیز شبیه گمشده را در زیر بوته‌هایی از خار پیدا می‌کنند (شریفیان، ۱۳۸۳: ۱۹۴).

بیت‌خوانی در مراسم عزا، به بیت عزا یا وارونه معروف است. پسوند وارونه این بیت از آن جهت است که برعکس مجالس شادی در عزاداری نیز استفاده می‌شود. در اجرای بیت‌خوانی سراینده بدون وجود ساز شروع به خواندن می‌کند و باعث گریه و زاری حاضرین در مجلس می‌شود. اشعار مربوط به قاسم نمونه‌ای از این ابیات است به‌گونه‌ایی که حمله‌ای به نام ایشان ساخته و تزیین می‌شود و نوحه‌خوانان که بیشتر زن هستند از زبان حال زنان اهل بیت شروع به خواندن می‌کنند.

شب سیزدهم نیز از رسومی است که در شب سیزدهم محرم اجرا می‌شود. در این شب گروهی نمادین از مردان و زنان که خود را طایفه بنی‌اسد می‌دانند، با بیل و فرش‌های بافته از نخل خرما، بر دوش یا زیر بغل برای دفن شهدای کربلا از این محله به محله دیگر می‌روند (عرفان، ۱۳۷۹: ۷۷).

در مراسم علم‌گشون، مردم دست خود را به علم مقدس که مظهر قدرت امام حسین (ع) و مظلومیت وی است، می‌کشند، علم را به سر و صورت خود می‌مالند و با دیدن آن علم، گریه سر می‌دهند (منصوری‌نژاد، ۱۳۷۸: ۳۶-۳۷). علم‌گشون یکی از آیین‌های نمادین باشکوه است و تهیه کردن علم یادآور شهادت امام حسین (ع) و یاران باوفایش می‌باشد. هم‌چنین بیرون کشیدن پارچه‌ها نشان آن است که روایت کرده‌اند بعد از شهادت امام، لباس‌های وی را اشیاء از تن وی بیرون آوردند و جسدش را پامال سم اسبان کردند.

مراسم صبح‌دهم در شب دهم محرم و یک ساعت مانده به اذان صبح برگزار می‌شود. در این مراسم عاشقان و عزاداران حسینی تا صبح بیدار می‌مانند و با احیای این رسم و خواندن نوحه‌های مخصوص این شب، از آفتاب می‌خواهند تا طلوع نکند و شب را به خاطر امام و یارانش طولانی‌تر کند. در بعضی روستاهای اطراف استان بوشهر همانند روستای چارک از توابع شهرستان دشتی مرسوم است که در این شب زنان به دور علم می‌چرخند و مردان نیز به دور زنان می‌گردند.

شوره یکی دیگر از آیین‌های عزاداری زنانه در این منطقه است که معمولاً با خواندن آواز لالای یا لایه‌لایه که بی‌شک از همان لالایی مرسوم گرفته شده است. از آنجایی که آواز لالایی بیشتر در مایه دشتی است که در «دستگاه شور»، یکی از شیرین‌ترین دستگاه‌های موسیقی ایرانی، خوانده می‌شود آن را به نام شور می‌خوانند. خواندن شوره یا لالایی که در مجالس عزاداری زنانه معمول است با جنبانیدن گهواره علی‌اصغر و سوزی که در صدای زنانه خواننده وجود دارد، سرگذشت غمناک او (علی‌اصغر) را برای حاضرین تداعی می‌کند. نوای شوره در عزاداری زنانه استان بوشهر یکی از کهن‌ترین آوازهای برجا مانده از موسیقی ایران باستان است (شریفیان، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

علم‌گردانی از دیرباز در روز نهم ماه محرم، به یاد رشادت‌ها و دلاوری‌های حضرت عباس در کربلا برگزار می‌شود. این علم که دستی از فلز به یاد دست بریده علمدار کربلا بر سر آن قرار گرفته، حدود پنج متر طول دارد و با پارچه‌های رنگی، به‌خصوص سیاه آراسته شده است. حاضران، علم را بر دوش خود قرار داده و با خواندن نوحه و

انجام مراسم سینه‌زنی به حرکت خود ادامه می‌دهند. در بین راه نیز به منازلی که نذری در پیش دارند دعوت می‌شوند (به منظور تقدس علم، ابتدا صاحب‌خانه فرشی را در گوشه‌ای پهن می‌کند تا علم را بر روی آن بگذارند). در برخی از روستاهای استان بوشهر نیز مرسوم است که علم را در تمام خانه‌ها بچرخانند که از نمونه آن می‌توان به روستای چارک از توابع شهرستان دشتی اشاره کرد (شکل شماره ۵).

هم‌چنین در برخی روستاها نظیر روستای شنبه از توابع شهرستان دشتی این رسم از روز اول تا هفتم محرم اجرا می‌شود و پس از آن پارچه‌های علم را باز می‌کنند و تنها یک پارچه سیاه که نشان از عزاداری است باقی می‌گذارند (شایان ذکر است که باز کردن پارچه از علم نیز در این استان به شهید کردن علم معروف است).

شکل شماره ۵: مراسم علم‌گردانی در منطقه بوشهر



مختک و تُویت (گهواره علی اصغر) مراسم دیگری است که در منطقه بوشهر اجرا می‌شود. بدین صورت که در روز عاشورا گهواره‌ای چوبی می‌سازند و پس از قراردادن طفلی در آن (در گذشته عروسک و امروزه از طفل صغیر و نوزاد استفاده می‌کنند)، آن را در منازل می‌چرخانند؛ به‌طوری‌که به صاحب مختک و کسی که گهواره را می‌چرخاند پولی داده می‌شود و مردم نیز برای افزایش طول عمر بچه‌های خود نذر می‌کنند و وجه نقدی به صاحب مختک می‌پردازند. گفتنی است زنان نیز گاه برای حفظ سلامتی خود و خانواده‌شان از زیر گهواره رد می‌شوند. اگرچه در منطقه زابل هیچ یک از این رسوم در برگزاری آیین گهواره علی اصغر اجرا نمی‌شود. لازم به ذکر است در روز عاشورا پس از پایان مراسم عاشورا، مراسم شبیه اصغر را اجرا می‌کنند. ولی امروزه

این مراسم هم به ندرت اجرا می شود و شاید بتوان گفت فراموش شده است. علی رغم این که به گفته محققین و دست اندرکاران این مراسم در زابل، اکثر مراسم این منطقه برگرفته از مناطق دیگر است و هرچند همانند استان بوشهر این مراسم از تنوع زیادی برخوردار نیست، با این حال تعدادی از مراسم سیستان که به عنوان آیین های عاشورایی خاص این منطقه شناخته می شوند به صورت مختصر در ادامه آورده شده است.

مراسم تابوت گردانی مختص منطقه زابل است. در این آیین خانواده هایی که نذر دارند بچه های خود را سوار بر تابوتی می کنند که از چوب سپیدار ساخته شده است. این تابوت سه متر بلندی و چهار متر درازا دارد و نماد تشییع جنازه است.

مشعل گردانی نیز از مراسم منطقه سیستان و روستای چلنگ است. این مراسم که در شب اول محرم اجرا می شود بدین صورت است که مردم مشعل یا فانوسی روشن کرده و بر سر مزار شهداء می روند. این مراسم نوعی اطلاع رسانی به منظور آغاز دهه محرم محسوب می شود. مراسم مشعل گردانی نیز از دیگر مراسم زابل است که در مناطقی از خراسان جنوبی نیز عمومیت دارد.

مرسوم است که شب نهم و دهم، پس از خواندن متون عربی توسط فردی که مجلس را اداره می کند همه به خواندن فاتحه مشغول می شوند و شروع به طلب مغفرت برای خود و گذشتگان کرده و دائم صلوات ختم می کنند. این مراسم که مخصوص منطقه زابل است به مراسم فاتحه خوانی معروف است. به جای بیت خوانی در مراسم زنانه از مراسمی به عنوان رباعی یاد می شود که نوعی همخوانی زنانه است و در مراسم زنانه منطقه زابل اجرا می شود. عزاداری زنانه یا لایه لایه که در منطقه بوشهر انجام می شود این جا وجود ندارد و به رباعی معروف است. در رباعی یک زن مصرعی را شروع می کند و یکی دیگر مصرع دوم را جواب می دهد و مصراع سوم را جمع می خواند. در ادامه می توان آیین های سوگواری رایج در بوشهر و مراسم معادل آن در سیستان را در جدول شماره ۱ مشاهده کرد.

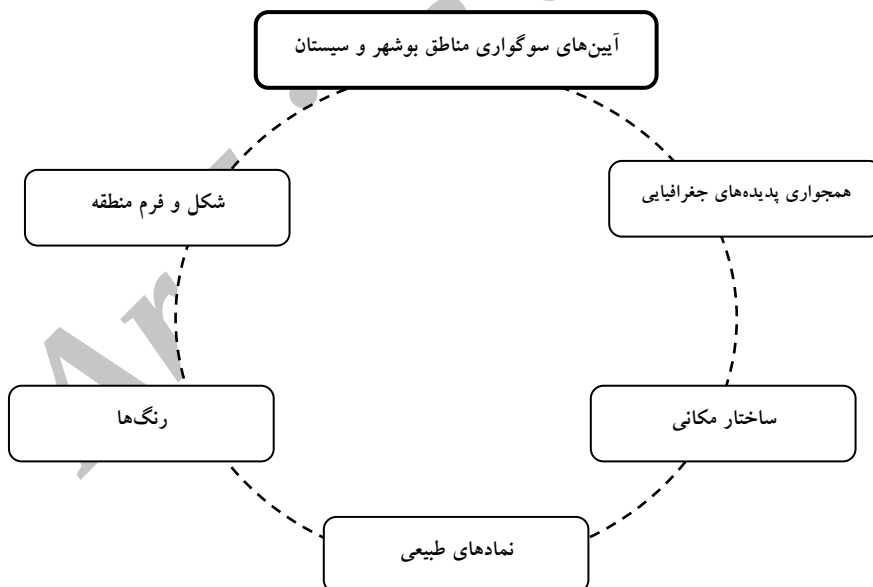
جدول شماره ۱: آیین های سوگواری در بوشهر و سیستان

مراسم رایج در بوشهر	مراسم معادل آن در سیستان	مراسم رایج در بوشهر	مراسم معادل آن در سیستان
سنج و دمام	سنج و دمام	مختک و تویت	-
نواختن بوق	-	شام غربیان	شام غربیان
سینه زنی	سینه زنی	شب سیزدهم	-

زنجیرزنی	زنجیرزنی	-	-
بیت خوانی	بیت خوانی	-	مشعل گردانی
علم کشون	-	-	فاتحه خوانی
صبحدم	فاتحه خوانی	-	تابوت گردانی
طفل صغیری	-	-	رباعی خوانی
شوره	-	کتلی	ذوالجناح گردانی
علم گردانی	علم گردانی	-	-

بحث و نتیجه‌گیری

در مبحث تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضمن بررسی متغیرهای مؤثر بر آیین سوگواری، در ادامه سعی می‌شود مطابق شکل شماره ۶ مشخصه‌هایی چون نمادهای طبیعی، رنگ‌ها، شکل و فرم منطقه و تأثیر پدیده‌های جغرافیایی ساختاری - مکانی بر آیین‌ها و نمادهای سوگواری مورد بررسی قرار گیرد. انتخاب این مؤلفه‌ها در راستای بررسی تأثیرات تفاوت‌های مکانی و محیط بر شکل و ساختار آیین‌های سوگواری و نشان‌دادن اثرپذیری این مراسمات از موقعیت، اقلیم و ساختار مناطق مورد نظر می‌باشد.



شکل شماره ۶: شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر

عَلَم‌گردانی نماد رفع کدورت، آشتی و یکی‌شدن و لالایی نماد سوز و رقت بیشتر است. در مراسم سینه‌زنی، خم‌شدن عزاداران و بلندکردن سر از زمین به آسمان مفهوم پرواز ملکوتی زمینیان به آسمان یعنی از خاک به افلاک رسیدن است. آن‌گاه که اندوه فقدان عزیز از دست‌رفته را به سینه می‌کوبند پای چپ را کانون قرار داده و با پای راست، از راست به چپ، نیم‌دایره ترسیم می‌کنند و وحدت و یکپارچگی خود را با این حرکات به نمایش می‌گذارند. حرکات آنها برخلاف گردش عقربه‌های ساعت، یعنی در جهت مخالف حرکت زمان و برگشت به اصل، همان گردشی است که در طواف خانه خدا صورت می‌گیرد و این همان حرکتی است که در کوچک‌ترین ذره هر جسم نهفته است. بوق، تداعی‌کننده صور اسرافیل و دمام در آیین سوگ هم‌چون ضربان قلب یادآور زندگی و تداوم حیات است. شام غریبان ترسیم آن لحظاتی است که شمع وجود سیدالشهدا در راه هدایت خلق آب شده بود و جسمش عریان روی خاک کربلا در خون می‌غلطید. نور شمع‌ها نشانه ابراز ارادت و هم‌دردی با زینب است. آن‌چنان‌که شمع نمادی از عزاداری محسوب می‌شود و به گفته صاحب‌نظران این مناطق، نمادی از عشق به اهل‌بیت و هم‌چنین تاریکی‌هایی است که در پایان عاشورا به‌وجود آمده و نوعی ابراز همدردی است یاد افرادی که در واقعه کربلا بوده‌اند. نخل (تابوت) را به‌عنوان نمادی از تابوت شهدای کربلا می‌شناسند و ریشه سنتی کهن دارد. نخل در اصطلاح مراسم سوگواری حسینی به وسیله بزرگ و اتاقکی تابوت‌مانند گفته می‌شود که با پوشش ساده انواع شال‌های رنگارنگ، آئینه و چراغ آن را می‌آریند. علی‌بلوک‌باشی یکی از محققین بنام در این زمینه، پشینه استفاده از تابوت در ایران را به مراسم سوگ سیاوش، حدود سه‌هزار سال پیش از میلاد، نسبت می‌دهد. در فرهنگ عامه، فلسفه چنین کاری آن است که «اگرچه در کربلا نبودیم و جسم پاره‌پاره شهدا بر زمین ماند، ولی امروز نماد جنازه آن عزیزان را با تشریفات، آذین‌بندی و با احترام خاص تشییع می‌کنیم. در مراسم مشعل‌گردانی، مشعل نماد عزاداری و صاحب‌عزا بودن است و نوعی ابراز همدردی محسوب می‌شود.

اگرچه رنگ سبز برگرفته از رنگ ردای حضرت محمد(ص) و نشانی کامل از سبزی است، در این‌جا نیز نشان از خلوص نیت و ارادت به سادات در میان مردم است. رنگ آبی، رنگ آسمان و رنگ قرمز رنگ تأویل خون و کسانانی است که قصد خونریزی دارند. اما در میان این رنگ‌ها، رنگ سیاه گرچه نشانه عزاداری است اما نمی‌تواند جدا از جغرافیای منطقه بوشهر باشد. رنج و مشقت مردمان این دیار و چهره

محرومیت که در جای‌جای این استان دیده می‌شود آنها را مردمی غم‌دوست بار آورده است؛ به‌طوری‌که رنگ سیاه را نه به صرف رسمیت در مراسم عزاداری بلکه آن‌را عجین با زندگی خود می‌دانند و شرکت در مجالس به آنها تسلی خاطر می‌دهد. وسعت اندوه در این سرزمین تا جایی است که بوق‌زن گاهی برای ناله‌کردن در بوق می‌دمد. این‌جاست که همجواری پدیده‌های جغرافیایی در منطقه بوشهر در آیین‌های سوگ نیز عینیت می‌یابد. مراسم سینه‌زنی را برگرفته از دریا می‌دانند؛ به‌گونه‌ای که باز و بسته‌شدن دایره سینه‌زن‌ها را همانند پر و خالی‌شدن دریا می‌دانند. حرارت و شوری که در مراسم سینه‌زنی و به‌خصوص شوری را که دمام‌زن‌ها در حین اجرا ایجاد می‌کنند می‌توان در گرمای جنوب و خون‌گرمی مردمانش جست‌وجو کرد. در بحث شکل و بافت، ذکر همین نکته بسنده می‌کند که بافت متراکم و فشرده منطقه از لحاظ جغرافیایی که نشان از اتحاد و همبستگی آن‌هاست در مراسم عزاداری نیز دیده می‌شود. این مهم در برگزاری منسجم مراسم‌ها و به‌ویژه سینه‌زنی، نمایان است. در ساختار مکانی، بافت قدیم بوشهر که اغلب کوچه‌هایی تنگ و باریک دارد، عزاداری‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ به‌طوری‌که محققین بوشهری معتقدند ساختار تنگ کوچه‌ها باعث شده در مراسم زنجیرزنی افراد به صورت ردیفی و روبروی هم بایستند. اگرچه در مناطق دیگر دلیل آن را تمرکز افراد ذکر کرده‌اند، اما ساختار کوچه‌ها در بوشهر اثر پررنگ‌تری داشته است. بی‌شک سادگی و روانی ملودی‌های موسیقی سوگواری به‌ویژه در نوحه‌های قدیم بوشهری می‌تواند نشئت گرفته از یکرنگی و سادگی مردم این منطقه باشد. اضافه بر این موارد، در نمودها نیز اغلب آوازهای موسیقی بوشهر به دلیل لحن غم‌انگیز آن در عزا هم به‌کار برده می‌شود. نوحه‌های قدیمی بوشهر برگرفته از موسیقی فولکلوریک این منطقه می‌باشد. بَم خوانی یکی از خصوصیات خواننده‌های مذهبی است و این موضوع جدا از تقلید می‌تواند نشانگر شرایط جغرافیایی و تاریخی باشد. بیشتر مراسم‌های سوگواری جنبه باستانی و سوگواری دارند که به درستی نمی‌دانیم بدرستی از کی به ما رسیده‌اند اما به‌زعم محققین شکل مراسم‌های امروزی بیشتر ریشه در حکومت صفویان دارد. در وصف سیستان نیز این مراسم‌های ضمن همگونی با طبیعت، میراثی از گذشتگان است که تا امروز به یادگار مانده است.

نتیجه این‌که عجین‌شدن عاشورا با شرایط محیطی و مکانی منجر به پایداری و تکامل رفتاری و اجرایی آن شده است و هر یک از مکان‌های سیستان و بوشهر با توجه به اقلیم و محیط خود به نوعی بر این روند تأثیر گذاشته‌اند. در عین حال هم آمیختگی

این شرایط با ویژگی‌های اجتماعی، منجر به تقویت ارادت به ائمه اطهار(ع) شده و روحیه شهادت و شجاعت را در این مناطق تقویت کرده و زنده نگاه داشته است.

هم‌چنین تماس ژئوپولیتیک‌ی این دو منطقه (سیستان و بوشهر) با صفحه‌های ژئوپولیتیک‌ی نژادی، مذهبی، عقیدتی و جغرافیایی منجر به تعامل سازنده با فضاها، متعارض و نامتعارف شده و در عین حال عامل بسیار قوی جهت حفظ و حراست در میراث سرزمینی و شرافت مذهبی و اندیشه دینی محسوب می‌شود. حرف آخر اینکه حراست از عقاید، تلاش در راستای پایداری و تثبیت عقاید، تطابق با عرف هر منطقه و وفاق اجتماعی بین آیین‌ها و محیط برگزاری، سازگاری آیین‌های عاشورایی با آداب، پوشش، گویش و... هر منطقه نشان می‌دهد که آیین‌های عاشورایی از یک الگوی باثبات برخوردار بوده و توانسته بر شرایط محیطی تحمیل شده و در عین حال سازگار شود و هر منطقه به فراخور جغرافیای خاص خود، این آیین‌ها را برگزار کند.

در تبیین جامعه‌شناختی آیین‌های عاشورایی باید اذعان داشت که مجالس عزاداری حسینی به‌عنوان کنشی جمعی، محرک و بستری جهت ادامه حیات بلاد اسلامی است و می‌تواند ضمن تقویت شعائر دینی، متضمن تداوم حکومتی اسلامی و هویت جمعی مسلمانان باشد. همان‌گونه که مؤلفه‌های نهضت حسینی با محتوای غنی خود عامل تقویت همبستگی و تداوم انقلاب اسلامی شده‌اند.

مناسک سوگواری عاشورایی به‌عنوان سنتی اسلامی قرون متمادی است که با کارکردی اجتماعی - فرهنگی، نقش پررنگی در پیوند عناصر دینی ایفا می‌کند. نقش بی‌بدیل اجتماعی عاشورا در شکل دادن به ساختار جامعه اسلامی ایرانی تا جایی است که هر ساله با برگزاری این مراسم بطن جامعه تجدید شده و گویی جان تازه‌ای می‌گیرد.

عاشورا نه تنها آیین و نمایش مذهبی بلکه سنتی اسلامی ایرانی است که ایرانیان به نوعی هویت خود را در آن می‌جویند. مراسمی با ریشه‌های مشترک در سراسر کشور پهناور ایران که هر ساله در فضایی کاملاً دینی، در صور مختلف و در قالب معنایی واحد در قلب مسلمانان تجلی می‌یابد و در هویتی جمعی به منصفه ظهور می‌رسد. در تشریح کارکرد هویتی عاشورا، می‌توان گفت الهام گرفتن از الگوی نهضت عاشورا در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بارزترین مصداق پیوند هویتی ایرانی - اسلامی است. تا جایی که این انقلاب موهون نهضت امام حسین(ع) و یارانش می‌باشد و عاشورا به‌عنوان یک جریان اجتماعی قوی و حرکتی آگاهانه سالیان متمادی است که ضمن تقویت انسجام اجتماعی، جامعه را از گزند مخاطرات ایمن نگاه داشته است.

پانویس

سپاس بیکران از دکتر مزار گلستانه و استاد طباطبایی حسینی که در تکمیل و جمع‌آوری مستندات، بی‌دریغانه و خالصانه اهتمام ورزیده‌اند.

منابع تصاویر

سایت اداره کل فرهنگ و ارشاد استان بوشهر

منابع

- احمدزاده، شیده (۱۳۸۶): «بررسی تطبیقی قهرمانان تعزیه و تراژدی»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، ش ۵۴، صص ۱۹-۳۶.
- احمدی، حسن (۱۳۸۳): *روانشناسی اجتماعی نهضت عاشورا*، قم: انتشارات مهشور.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۸۶): *سیمای امام حسین*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- بهشتی، ابوالفضل (۱۳۸۲): *فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا*، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- جواد‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۶): «تغییرات ساختاری در آثار ادبی عاشورا؛ از حماسه تا تراژدی و تا مصیبت»، *نامه صادق (مجله دانشگاه امام صادق (ع))*، ش ۳۲، صص ۲۵-۴۶.
- حجازی، سیدعلیرضا و محمدرضا، مرضیه (۱۳۸۸): «بازتاب حماسه عاشورا در شعر بعضی از شعرای عرب زبان»، *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، ش ۲۳، صص ۱۹۹-۲۱۹.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۶): *قیام جاودانه*، قم: انتشارات دلیل ما.
- حمیدی، سیدجعفر (۱۳۷۳): *مجموعه مقالات کنگره شهید رئیس علی دلواری*، بوشهر: چاپ علوی.
- دوانی، علی (۱۳۸۴): *اولین قیام برای خونخواهی حضرت امام حسین در سیستان*، زابل: نشر دانشگاه.
- رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶): *واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات*، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت (ع).
- ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۱): *سنگستان، عقاید و رسوم عامه مردم بوشهر*، ج ۲، شیراز: انتشارات نوید.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۱): *فلسفه عزاداری امام حسین (ع)*، *مجموعه مقالات همایش امام حسین (ع)*، تهران: نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- شریعتی، علی (۱۳۸۴): *حسین وارث آدم*، تهران: انتشارات قلم.
- شریفیان، محسن (۱۳۸۳): *اهل ماتم، آواها و آیین سوگواری در بوشهر*، تهران: انتشارات دیرین.
- شکوهی، حسین (۱۳۸۴): *شناخت و فلسفه جغرافیا*، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات پیام نور.
- ----- (۱۳۶۴): *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- عرفان، حیدر (۱۳۷۹)؛ *تعزیه در استان بوشهر*، شیراز: انتشارات نوید.
- فخرروحانی، محمدرضا (۱۳۸۷)؛ «عاشورا در برخی کتاب‌های مرجع انگلیسی»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ش ۲۱، صص ۵۹-۸۲.
- فرید، محمدصادق (۱۳۸۶)؛ «هنر در سوگواری‌های مذهبی ایران»، *فرهنگ مردم ایران*، ش ۱۱، صص ۱۴۵-۱۶۲.
- فروغی، اصغر (۱۳۸۳)؛ «نگاهی به پیشینه عزاداری در اسلام»، *فصلنامه مشکوه*، ش ۸۴ و ۸۵، صص ۱۳۱-۱۴۲.
- فیاض، ابراهیم و رحمانی، جبار (۱۳۸۴)؛ «مناسک عزاداری و گفتمان کربلا در دین‌ورزی اقشار فرودست شهری»، *فصلنامه انجمن ایرانی و مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۶، صص ۵۷-۷۹.
- قادری، اسماعیل؛ عزتی، عزت‌الله و حافظی، شقایق (۱۳۸۸)؛ «راهکارهای استفاده از مراسم تاسوعا و عاشورا به عنوان پتانسیل توریسم فرهنگی مذهبی در محدوده بخش مرکزی تهران»، *مجله فضای جغرافیایی*، ش ۲۸، صص ۷۵-۱۰۱.
- کتین، عبدالحسین (۱۳۷۸)؛ *جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر*، شیراز: چاپ کوثر.
- گلستانه، مزار (۱۳۸۶)؛ *فرهنگ عامه ۲، ادبیات و شعر عامیانه مردم سیستان*، مشهد: انتشارات عروج اندیشه.
- ----- (۱۳۸۸)؛ *فرهنگ عامه ۴: سور و سوگ در سیستان*، مشهد: انتشارات بعثت.
- گیویان، عبدالله (۱۳۸۴)؛ «آیین، آیین‌سازی و فرهنگ عامه‌پسند دینی: تأملی در برخی بازنمایی‌های بصری دینی و شیوه جدید مذاحی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۵، صص ۱-۳۳.
- محدثی، جواد (۱۳۷۷)؛ *پیام‌های عاشورا*، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- مختاباد امریی، سیدمصطفی (۱۳۸۵)؛ «تعزیه، هنر نمایش مصیبت‌آمیز ایرانیان»، *مجله علوم/انسانی*، ش ۱۴، صص ۸۹-۹۸.
- مفتخری، حسین و رنجبر، محسن (۱۳۸۷)؛ «رویکرد احساسی عاطفی به واقعه عاشورا در ایران (از صفویه تا مشروطه)»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، ش ۲۴، صص ۱۶۹-۲۱۲.
- منصوری‌نژاد، مرضیه (۱۳۷۸)؛ «علم‌کشون و آیین‌های نمادین در مراسم سالگرد شهادت امام حسین»، *فصلنامه آبی‌ها*، بهار، ش ۱.
- ناظرزاده، فرهاد (۱۳۸۶)؛ «جهانی فکر کن و ایرانی بیافرین»، *راهبرد*، سال اول، ش ۲۸۷، صص ۶.
- هاشمی‌نژاد، سیدعبدالکریم (۱۳۸۷)؛ *درسی که حسین به انسان‌ها آموخت*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- یاراحمدی، جهانشیر (۱۳۸۴)؛ *نمایش در بوشهر از آغاز تا امروز*، بوشهر: دریاورد.